

فقہ سیاسی

مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی

مترجم: عبدالعزیز سلیمی



قرضاوی، یوسف، ۱۹۲۶.
فقه سیاسی / مؤلف یوسف قرضاوی؛ مترجم عبدالعزیز سلیمی -
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۰.
ISBN: 978-964-6783-76-6 ص ۳۲۲
چاپ سوم: ۱۳۹۰.
عنوان اصلی: من فقه الدوله.
موضوع: اسلام و دولت.
موضوع: اسلام و سیاست -- علوم سیاسی (فقه).
رده‌بندی کنگره ۱۳۹۰ ۸۰۲۱م/۲۲ق/۲۳۱BP
رده‌بندی دیویی ۲۹۷/۲۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی ۲۶۳۲۹-۷۸م



فقه سیاسی

+ مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی
+ مترجم: عبدالعزیز سلیمی
+ ناشر: نشر احسان
+ چاپخانه: مهارت
+ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
+ نوبت چاپ: سوم - ۱۳۹۰
+ قیمت: ۵۰۰۰ تومان
+ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۷۳-۷۶-۶



فروشگاه:
تهران، خ. انقلاب، روبروی دانشگاه،
مجمع فروزنده، شماره ۲۶
تلفن: ۶۶۹۵۴۲۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	مقدمه مترجم:
۱۵.....	مقدمه مؤلف:
۲۱.....	بخش اول - جایگاه حکومت:
۲۳.....	جایگاه حکومت در اسلام.
۲۶.....	شواهدی از قرآن و سنت
۲۸.....	شواهدی از تاریخ اسلام
۳۱.....	شواهدی از طبیعت اسلام
۳۷.....	ضرورت وجود حکومت اسلامی.
۳۸.....	اگر حکومتی را در اختیار می داشتیم.
۴۱.....	اسلام و سیاست
۴۹.....	بخش دوم - ویژگیها و ارکان حکومت اسلامی.
۵۱.....	حکومت مدنی
۵۴.....	حکومت جهانی
۵۵.....	حکومت قانون
۶۰.....	حکومت شورایی یا حکومت پادشاهی؟
۶۴.....	سخنی سنجیده از دکتر شاوی
۶۷.....	حکومت هدایتگر یا غارتگر؟
۷۰.....	حکومت حمایت از محرومان
۸۲.....	تأمین حقوق و آزادیها

- ۸۵ حکومت اخلاق و ارزشها
- ۹۱ بخش سوم - ساختار حکومت اسلامی
- ۹۳ حکومت دینی یا حکومت اسلامی؟
- ۹۶ حکومت اسلامی - حکومت مدنی
- ۹۹ سنگ اندازی سکولاریستها
- ۱۰۱ رابطه اندیشه «حاکمیت» با حکومت دینی
- ۱۰۲ علمای اصول و موضوع حاکمیت
- ۱۰۳ حاکمیت از دیدگاه مودودی و سید قطب
- ۱۰۴ مودودی و حکمیت
- ۱۰۶ منظور از حاکمیت
- ۱۰۷ سخن حضرت عثمان رضی الله عنه
- ۱۱۲ سخن ابو جعفر منصور
- ۱۱۵ پرونده‌هایی که باید بایگانی شوند
- ۱۱۵ پرونده حکومت دینی
- ۱۲۰ پرونده «علمائیت» سکولاریسم
- ۱۲۳ بخش چهارم - فقه سیاسی بالنده
- ۱۲۵ پدیده‌های منفی فکری و فقهی
- ۱۲۷ نقطه ضعف فقه سیاسی
- ۱۲۹ فقه سیاسی
- ۱۲۹ تعیین مدت ریاست جمهوری
- ۱۳۶ اسلام سیاسی
- ۱۳۷ اول: این نامگذارها قابل قبول نیستند
- ۱۳۸ دوم: اسلام منهای سیاست، اسلام نیست
- ۱۳۹ اسلام فراگیر
- ۱۴۱ شخصیت سیاسی مسلمان
- ۱۴۲ بهترین جهاد
- ۱۴۴ فریضه مقابله با منکر

- ۱۴۷ فردی یا گروهی؟
- ۱۴۷ حق یا مسئولیت؟
- ۱۵۰ نماز و سیاست
- ۱۵۳ آیا دین و سیاست با هم ناسازگارند؟
- ۱۵۵ آیا سیاست چیز بدی است؟
- ۱۶۱ بخش پنجم - دموکراسی و تعدد احزاب
- ۱۶۱ اسلام و دموکراسی
- ۱۶۳ حکم و قضاوت فرع شناخت و معرفت است
- ۱۶۴ ماهیت دموکراسی
- ۱۶۵ آیا ماهیت دموکراسی با اسلام ناسازگار است؟
- ۱۶۵ تهاجم قرآن بر علیه استبداد
- ۱۶۸ ارتباط استبداد با فساد و ویرانی
- ۱۶۹ اطاعت از اهل استبداد
- ۱۷۰ مسئولیت سپاه ستمکاران
- ۱۷۱ تهاجم سنت نبوی بر علیه ستمکاران
- ۱۷۲ رابطه شورا و نصیحت
- ۱۷۳ اسلام و حکام
- ۱۷۴ پیشگامی اسلام
- ۱۷۴ ویژگیهای دموکراسی
- ۱۷۶ آیا انتخاب، نوعی شهادت دادن است؟
- ۱۷۷ حکومت خداوند و حکومت مردم
- ۱۷۸ اصل حاکمیت خداوند
- ۱۸۱ آیا حکومت اکثریت با اسلام منافات دارد؟
- ۱۸۳ ثوابت دین و آراه مردم
- ۱۸۴ اکثریت، مرجع معتبری است
- ۱۸۶ استبداد "ام الفساد"
- ۱۸۷ آزادیهای سیاسی یک ضرورت

- ۱۸۹ آیا مصوبات شورا الزامی است یا تشریفاتی
- ۱۹۳ حکومت اسلامی و تعدد احزاب
- ۱۹۵ تعدد احزاب
- ۱۹۷ انتقاد از حکام
- ۱۹۸ سازماندهی اندرز و انتقاد
- ۱۹۹ فهمی نادرست از حکومت اسلامی
- ۲۰۲ تعدد احزاب و تعدد مذاهب
- ۲۰۴ احزاب مذهبی سیاسی و مذاهب احزابی فقهی اند
- ۲۰۵ رابطه تعدد و اختلاف
- ۲۰۷ تعدد گروههای اسلامی
- ۲۰۸ آیا اصل تعدد وارداتی است؟
- ۲۱۱ گرویدن به کدامیک؟
- ۲۱۲ حضرت علی (رض) و حزب خوارج
- ۲۱۳ حسن البنا و تعدد احزاب
- ۲۱۵ تعدد احزاب پیش از تأسیس حکومت
- ۲۱۵ فتوای تحریم تشکیل گروههای اسلامی
- ۲۱۷ جماعتی از مسلمانان یا جماعت مسلمانان
- ۲۲۱ حکومت اسلامی و حکم به ما انزل الله
- ۲۲۳ شبه‌های شکست خورده
- ۲۲۴ ملاحظاتی مهم
- ۲۳۰ آراء مفسران
- ۲۳۱ توضیحی در مورد آراء مفسرین
- ۲۳۸ سخنی ناپذیرفتنی
- ۲۴۵ بررسی رأی ابن عباس
- ۲۴۲ رأی استاد رشید رضا
- ۲۴۸ معنی شریعت در قرآن
- ۲۴۹ دو موضوع حساس

۲۵۲ استفاده از قدرت
۲۵۶ مراتب تغییر منکر
۲۵۷ شرایط مقابله با منکر
۲۶۴ اگر حکومتها خلافتکاری نمایند؟
۲۶۷ تغییر منکرات جزئی
۲۶۸ ضرورت مراعات عطف و تسامح
۲۷۱ بخش ششم - مشارکت سیاسی زنان
۲۷۳ مشارکت در پارلمان
۲۷۵ یاد آوری اموری ارزشمند
۲۷۵ بررسی پاره‌ای از استدلالها
۲۷۹ ولایت و ریاست زنان بر مردان
۲۸۸ حقوق سیاسی زنان
۲۹۸ بخش هفتم - مشارکت در حکومت‌های غیر اسلامی
۳۰۲ مشارکت یا عدم مشارکت
۳۰۶ مراعات مصالح
۳۰۶ ۱- کم کردن از میزان شر و ستم
۳۰۷ ۲- برگزیدن زیان کمتر
۳۰۹ ۳- آرم‌انگاری و واقعیت‌پذیری
۳۱۲ ۴- سنت تلاش تدریجی
۳۱۵ شرایط مشارکت در حکومت‌های غیر دینی
۳۱۵ فتاوی علمای بزرگوار
۳۱۸ فتاوی شیخ الاسلام عزالدین بن عبدالسلام
۳۱۹ فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه
۳۲۳ تعارض میان حسنات و سیئات
۳۳۰ کاندیدا شدن غیر مسلمانان در پارلمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ، فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾^(۱)

«به میان هر یک از ملت‌ها پیامبری را فرستادیم که محور رسالت همه آنها این بوده است: تنها خداوند را عبادت و فرمانبرداری نمایید و از طاغوت و (فرمانروایان و بتان جاندار و بی جان و...) دوری کنید. خداوند گروهی از مردم را (بخاطر کردار نیک و شایسته خود، به راه راست) هدایت نمود، و گروهی دیگر از آنان (به دلیل کردار ناشایست) مستحق گمراهی گردیدند، (و چنانچه در این مورد شک و تردید دارید در سرگذشت آنها بیندیشید) و در سرزمین سیر و سفر کنید. و ببینید که سرانجام کار کسانی که (آیات خداوند را) تکذیب کرده‌اند، به کجا انجامیده است.»

از زمانی که انسان زندگی اجتماعی را آغاز کرد، و روابط آنان به باید‌ها و نبایدها و روا و ناروا نیاز پیدا نمود، خداوند متعال آنان را به راهی که در دنیا آسایش، آزادی و دادگری و در عقبی سعادت و پیروزی و کامیابی را در پی دارد، از طریق پیامبران پاک و خیرخواه، راهنمایی نمود.

پیامبرانی که خود اسوه و الگوی ایمان و آزادیخواهی و دادگری بودند، و با پدیده‌های پلشتی که پرده سیاه را بر روی آینه زندگی انسانها می‌کشید، مقابله و مبارزه

نمودند، و در جهت دگرگونی واقعیتهای نامطلوب و ناسازگار و زیانبار بر اساس شناساندن ارزشها و ضد ارزشها «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» و ایجاد دگرگونی مثبت در ساختار شخصیت و رشد فکری و معنوی انسانها بر اساس آن ارزشها «وَيُزَكِّيهِمْ» و آگاه نمودن از بایدها و نبایدها «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» و نمایاندن و ارائه راه حلهای کار بردی و عملی برای به واقعیت در آوردن آن ارزشها و رهنمودها در عرصه حیات فردی و اجتماعی بوده است.

پیامبران پاک و صمیمی و آزادبخواه در شرایط زمانی و مکانی ویژه‌ای بر اساس حکمت و مصلحت خداوند مأموریت ابلاغ پیام و رسالت را پیدا نموده‌اند. شرایطی که در آن پایه‌های منزلت و کرامت انسانها مورد تهاجم جدی و خطر ناک دو پدیده و ناهنجاری بسیار ویرانگر و بنیان برانداز قرار گرفته، که یکی از آن دو پدیده اصل رابطه مستقیم انسان را با خداوند هدف قرار داده و دومی روابط سالم و سازنده انسانها را با یکدیگر زیر سؤال برده بود.

پدیده اول: در شرایطی که فرعونیان و درکنار آنان قارونها و هامانها با بهره‌گیری از حربه‌های زور و زر و تزویر، سلطه ستمکاران خود را بر مردم تحمیل نموده و کشتیهای ناروای نفسانی و منافع مادی و سیاسی و حزبی خود را به صورت قوانین و لوایح در آورده و مردم را مجبور به پیروی از آن نموده بودند. پیامبران خداوند، برای رهایی انسانها از بردگی و بندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دیگر انسانها و بازگردانید سیر زندگی جامعه بشری به روال طبیعی و سازگار با فطرت انسانی، پیام توحید و یکتا پرستی و مبارزه با فرمانروایان و معبودان ستمکار و خودکامه را به مردم رسانیده و آنان را برای دست یابی به وضعیت مطلوب و شایسته همراهی نموده، که رویارویی ابراهیم با نمرود، موسی با فرعون، و طالوت با جالوت و حضرت محمد با سران و بزرگان و مشرکین قریش نمونه‌هایی عینی و عملی از آن مبارزه مقدس و رهایی بخش بوده است.

پدیده دوم: عده‌ای با سوء استفاده از باورها و احساسات مردم و بهره‌برداری از ارزشها و مقدسات دینی، خود را نماینده و نایب و کارگزار خداوند و دین او جلوه داده، و با روشهای ناپسند خود عملاً ارتباط اختیاری انسانها را با معبود خویش قطع نموده و

خود را میان خداوند و انسانها واسطه قرار داده و کششهای نفسانی و کردارها و اندیشه‌های پوچ و باطل خود را بنام دین بر آنان تحمیل نموده و عملاً بر روی دریاچه قلب انسانها - که بایستی بر روی حقایق ایمانی و واقعیت‌های اجتماعی باز شود - قفل نهاده، و اندیشه آنها را به اسارت خویش در آورده و از رشد و تعالی و تزکیه واقعی آنان جلوگیری کرده‌اند. و بجای هدایت آنان به سوی بندگی خداوند آنها را به بردگی فکری و معنوی خود گرفته‌اند.

در راستای رویارویی با این دو پدیده خطرناک و هلاک‌کننده، که عرصه‌های فکری، معنوی و اجتماعی و سیاسی زندگی انسانها را دچار تزلزل و فروپاشی می‌نماید، خداوند متعال بر اساس دانش و حکمت خویش بنیان و دعوت پیامبران را بر اندیشه «لا اله الا الله» و توحید و یکتاپرستی قرار داده است.

«لا اله الا الله» ای که در واقع نهضت و حرکتی فکری، ایمانی، و معنوی در عرصه اجتماعی و سیاسی است و همچون شمشیری دولب «معبودها» یا فرمانروایان ستمکار و فریاد رسان فریبکار رالت و پار می‌نماید.

«لا اله الا الله» ای که به تعبیر شهید بزرگوار اسلام سید قطب: «باوری است که ریشه در دل دارد، و عینکی است که از ورای آن دنیای غیب و شهادت نگریسته می‌شود، و روش و راهبردی است که رنگ و بوی خاصی را به زندگی می‌بخشد».

«لا اله الا الله» ای که همه طاعت‌های خودکامه و ستمکار و فریبکار را در همه زمانها و مکانها در جهت آزادی انسانها از بند اسارتشان مورد هدف قرار می‌دهد. و بینی مدعیان دروغین نیابت و وکالت از جانب صاحب رسالت را بر خاک ذلت می‌مالد.

«لا اله الا الله» ای که بر اساس آگاهی و ایمان و آزادیخواهی، انسانها را از بردگی و بندگی دیگر انسانها رهانیده و به سوی شاهراه خیر و سعادت و اطاعت آگاهانه از ارزشهای ارزش آفرین که انبیاء پیام آور آن بوده‌اند، راهنمایی می‌نماید.

بر همین اساس است که خداوند بطور منظم و مداوم دو معنی محوری "توحید الوهیت" یعنی انحصار "عبودیت" و "استعانت" از خداوند را در نمازها که آبخار رحمت خداوند و آفتاب عالم‌تاب جهان معنویت و رمز و راز رابطه انسانها و آفریدگار آنهاست،

یاد آور شده و با دو جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» - دو جمله‌ای که گستره آن به گستردگی آسمانها و زمین است - اهل ایمان را به آگاهی و آزادگی و رویارویی با واقعیت‌های نامطلوب در همه عرصه‌های زندگی فرامی‌خواند.

هر چند باران رحمت توحید همه عرصه‌های زندگی فکری، فردی، معنوی، مادی، سیاسی و اجتماعی انسانها را در بر می‌گیرد، اما بخاطر تأثیر پذیری همه آنها از آن دو پدیده نامیمون یعنی وجود و حاکمیت «فرمانروایان ستمکار» و فریاد رسان فریبکار نامفهوم است همراه با آگاهی و ایمان، تلاش برای فروپاشی آنان و رهایی انسانها از آن دو سرطان مرگ آور است. و در این راستا استعانت از «صبر و صلاة» و پیروی از «سنت» و مراعات حکمت در دعوت و پابندی به مشورت و همراهی با «جماعت» و معرفت واقعی و توسل به اسباب و قوانین مادی و معنوی و بهره‌گیری از دانش‌ها و تجربه‌های علمی و فنی بشری، عوامل سربلندی دنیا و سعادت عقبی خواهند بود.

بار دیگر یاد آوری این مطلب را لازم می‌دانم که تلاش برای اقامه حکومت حاکم به شریعت و سنت، مسئولیتی است که اساس آن بر «توحید و تقوی و عدالت» و صیانت از کرامت و منزلت انسانها و زمینه سازی برای تزکیه و تعالی و کسب سعادت آنها خواهد بود. و به عبارت دیگر تلاش و زمینه سازی فکری و تربیتی و عملی برای ایجاد حکومت اسلامی، ارتباطی تنگاتنگ با اساسی‌ترین ارزش ایمانی یعنی «توحید» دارد، و صرفاً تلاشی فرعی و مستحب به شمار نمی‌آید.

در نهایت از خداوند منان مسئلت دارم که اجر جزیل را نصیب نویسنده بزرگوار و علامه اندیشمند، استاد دکتر یوسف قرضاوی بگرداند، و عمر پر بار و با برکت ایشان را بیشتر فرماید، و ما را هم به عنوان خوشه چین خرمن رحمت خویش مورد قبول قرار دهد.

عبدالعزیز سلیمی

شانزدهم مهره ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش

کرمانشاه - جوانرود

آیاتی از قوانین خداوند

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴾ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿١﴾

«بیگمان خداوند به شما (مؤمنین) دستور می‌دهد، که امانتها را به صاحبان امانت برسانید و هنگامی که در میان مردم به داوری پرداختید، دادگرانه داوری کنید: خداوند شما را به بهترین امور اندرز می‌دهد. بیگمان خداوند شنوا (بی سخنان و) بینا (بی کردارسان) بوده و می‌باشد * ای کسانی که ایمان آورده‌اید: از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیامبر خدا (با تمسک به سنت او) اطاعت کنید: و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمایید و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا (با عرضه به آیات قرآن) و پیامبر (با رجوع به سنت) برگردانید، اگر بخدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است * (ای پیامبر آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند: به آنچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند (ولی) می‌خواهند داوری را به

پیش طاغوت ببرند (و فرمان او را بجای حکم خدا بپذیرند) و حال آنکه بدیشان فرمان داده شده است که به طاغوت پشت کنند. و شیطان می خواهد که آنها را بسیار گمراه کند * و زمانی که بدیشان گفته می شود به سوی چیزی بیایید! که خداوند آن را (بر محمد) نازل نموده است، و به سوی پیغمبر روی بیاورید، منافقان را خواهی دید که سخت به تو پشت می کنند».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ اتَّبَعَ هُدَاهُ﴾

این کتاب در برگیرنده مطالبی در ارتباط با شناخت "حکومت از دیدگاه اسلام" است. معرفت و شناختی که در سده های اخیر، مسلمانان در مورد آن بسیار کوتاهی نموده، و آنچنان که به عرصه های دیگر فقه مانند: بخش عبادات اهتمام داده شده و دامنه آن گسترده گردیده است، به تحقیق و بررسی و اجتهاد در زمینه نظام سیاسی اسلام توجه نشده است.

امام ابن القیم در قرن هشتم هجری از جمود و تنگ نظری فقهای معاصر خویش گله مند بود. تا جایی که آنان حکام آن زمان را ناچار نموده بودند که «قوانین سیاسی» را جدای از احکام شریعت تدوین و تهیه نمایند. امام ابن القیم فقهای متحجر و تنگ نظر را مسئول این انحراف حکام و فرمانروایان از راه شریعت آسان و سازگار با زندگی انسان می دانست. شاید بتوان مدعی شد که این برای اولین بار بود که قوانین وضعی و قرار دادی بشری در جامعه اسلامی نفوذ می کرد، و جای احکام شریعت را می گرفت.

برای آن گروه از فقهای متحجر و دگم اندیش در دنیای معاصر نیز هم فکران و جانشینانی وجود دارند که در قرن پانزدهم هجری و با توجه به آنکه تقریباً همه امور زندگی در مقایسه با زمان آنها دگرگون گردیده است، اما همچنان با بینش و نگرش آنها

که قرن‌ها از مرگشان می‌گذرد، می‌اندیشند. آنان فراموش کرده‌اند که امام شافعی در مدت زمان کوتاهی بسیاری از آراء خود را تغییر داد و دارای آراء قدیم و جدید شد. و شاگردان ابوحنیفه در بیش از $\frac{1}{3}$ آراء مذهبش - بخاطر تفاوت زمانشان با زمان امام ابوحنیفه - با او مخالفت نمودند و می‌گفتند: اگر آنچه را ما دیده‌ایم استاد ما می‌دید، همین رأی یا جدیدتر از آنرا بیان می‌نمود. و در مورد یک موضوع گاهی تا هفت رأی از امام احمد نقل گردیده است، که دلیل آن غالباً تفاوت احوال و شرایط زمانی و مکانی بوده است.

برخی از افرادی که به مسایل فقهی نسبت داده شده‌اند، و از گرویدگان جریان بیداری اسلامی بحساب می‌آیند را می‌بینیم که می‌گویند: اصل شورا آموزنده و تشریفاتی است نه الزامی، و حکام مسئولند برای هدایت و روشن شدن امور مشورت کنند، اما حق دارند و می‌توانند رأی اهل رأی و شورا را نادیده بگیرند و آنچه را که خود می‌خواهند، عملی نمایند! حکامی که مجلس شورا را خود آنها تعیین می‌کنند، و تا زمانی که خواستند آن را تأیید و هرگاه که مصلحت دیدند آن را منحل می‌نمایند!

می‌شنویم که افرادی اندیشه تعدد و تکثرگرایی را در سایه حکومت اسلامی مردود و منتفی می‌دانند، و با انتخابات برای تعیین رئیس جمهوری و اعضای مجلس شورا و نمایندگان و مجلس و پارلمان مخالفت می‌کنند! همچنین هستند کسانی که، معیار اکثریت در انتخابات و تعیین مدت زمان ریاست جمهوری را مردود می‌شمارند. افرادی هم بر این باورند که همه پدیده‌هایی که از دمکراسی سرچشمه می‌گیرند، خلاف و ناروا هستند و بایستی با آنها رویارویی بشود.

برخی هم شرکت خانمها را در انتخابات و به طریق اولی کاندیدا شد نشان را برای عضویت در مجالس، نامشروع می‌دانند. و بدین ترتیب نیمی از پیکر اجتماع را فلج می‌نمایند. و گروهی دیگر هم برای غیر مسلمانان هیچگونه حق و حقوقی در ارتباط با رأی دادن و کاندیدا شدن و مشارکت در نهادهای سیاسی قایل نیستند.

حتی افرادی هستند که کاندیدا شدن مسلمان را برای عضویت در مجالس و پارلمان - بخاطر آنکه نوعی در خواست مسئولیت و ولایت است - جایز نمی شمارند، و معتقدند که بر سینه درخواست کننده ولایت دست رد نهاده می شود!

اما آنان در مقایسه با اکثریت گرویدگان بیداری اسلامی - هر چند صدایشان بلند است - گروه اندکی به شمار می آیند. و نیروهای شناخته شده‌ای وجود دارند که در راستای مخالفت با بیداری اسلامی، آنان را بیش از حد بزرگ نموده و برای بهره برداری به نفع خود، آنان را در صحنه‌های اجتماع مطرح می نمایند.

و در نقطه مقابل آن اندیشه‌های متحجر، گروهی هم هستند که اساساً وجود حکومت اسلامی حاکم به ما انزل الله را منکر هستند، و دین و دنیا را کاملاً از هم جدا می دانند، و معتقدند که سیاست با دین و دین با سیاست ارتباطی ندارد!

و می خواهند آنچه در غرب بر سر مسیحیت آمد، در شرق گریبانگیر اسلام بنمایند. اما فراموش کرده‌اند که، اسلام با مسیحیت و مسجد با کلیسا بسیار فرق دارد، و تاریخ علمای اسلامی با تاریخ کشیشان دیر نشین دو چیز متفاوت از هم‌اند. و "کار قیصر را به قیصر و کار خداوند را به خداوند واگذار کن" در اسلام جایگاه و پایگاهی ندارد. بلکه از نگاه اسلام قیصر و همه متعلقات او از آن خداوند تنهای بی هم‌تاست. و برای محاکمه دانشمندان و اندیشمندان و مبتکران هیچگاه اسلام مانند کلیسا دادگاه‌های هراسناک تفتیش عقاید را تشکیل نداده، و در هیچ زمانی با دانش و اندیشه و نوآوری و آزادیخواهی سر ستیز نداشته است.

آنان در این اندیشه‌اند که، اسلام را از نفوذ و سلطه عملی و واقعی دور نگاه دارند، و مانند مسیحیت آن را از عرصه‌های گوناگون زندگی کنار بگذارند، و به معنی دیگر می خواهند اسلام را از دو اسلحه اساسی یعنی سلطه دینی و دولتی خلع سلاح نمایند، و آن را همچنان ضعیف و ناتوان باقی بگذارند.

واقعیت آن است که آنها بر خلاف اجماع و اتفاق نظر ثابت و یقینی امت اسلامی گام

بر می‌دارند، که در طول تاریخ خود ایمان داشته است که: اسلام مجموعه هماهنگی است و شامل: عقیده و شریعت، دین و دولت، عبادت و رهبریت، و نماز و جهاد و... می‌شود. و رسول خدا صلی الله علیه و سلم اولین رئیس حکومت اسلامی بوده، و جانشینانش همین راه را در پیش گرفته‌اند. و در واقع خلافت به معنی نیابت از رسول خدا در اقامه و اداره صحیح امور دنیاست.

اما «علمانیون» و سکولاریستهای لیبرال یا مارکسیست، صرفاً مدعی مسلمان بودن هستند و در عین حال به احکام آن گردن نمی‌نهند، و خود را ملزم به مراعات امر و نهی نمی‌دانند و به کتاب و سنت مراجعه نمی‌کنند، و اگر چنین کاری را انجام بدهند، تنها در راستای تحریف و تبدیل معنی آیات و احادیث برای توجیه اندیشه‌های خویشان می‌باشند، نه اینکه در برابر آیات سر تسلیم فرود بیاورند. آنان در واقع با فرهنگ و سرشت اهل ایمان سازگاری ندارند. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا كَانَ قَوْلُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا: سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴾
(النور: ۵۱)

«گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند - تنها این است که می‌گویند: "شنیدیم و اطاعت کردیم" اینانند که رستگارانند.»

آنان اسلام فراگیر را مورد استهزاء قرار می‌دهند. اسلامی را که قرن‌هاست مسلمانان با آن آشنایی دارند، "اسلام سیاسی" می‌نامند. انگار انواع مختلفی از اسلام مانند: اسلام معنوی، اسلام فکری، اسلام اجتماعی، اسلام سیاسی و... وجود دارد؟! در حالی که اسلام در ذات و اصول و ارکان خود، که از قرآن و سنت سرچشمه می‌گیرد، چیزی بجز خود اسلام نیست.

در میان علمانیهایی که خود را از چهار چوب اسلام بیرون کشیده، و متحجرانی که با واقعیتها و پدیده‌های دنیای معاصر بیگانه‌اند جریان بیداری اسلامی میانه رو قرار دارد که اسلام را از سرچشمه‌های زلالش بر می‌گیرد، و ایمان و یقین دارد اسلام نظام و برنامه کامل و همه جانبه‌ای است که زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی و... را پوشش

می دهد و با یک چشم اسلام و با چشم دیگر دنیای نوین را نگاه می کند.

پدیده های مفید پیشین را در کنار پدیده های سازنده نوین اجتماعی قرار می دهد و خود را ملزم به پیروی از روش «سلفی اصولگرا» و در عین حال نو اندیش و نوگرا می داند، و میان «ثوابت و متغیرات» ایجاد هماهنگی می نماید و همه را به احترام به تعقل و تفکر، و نوگرایی در اندیشه و اجتهاد در دین و ابتکار در امور دنیا فرا می خواند و بهترین راهکارهای نوین بشری را مورد استفاده قرار می دهد، و بر این باور است که هیچ پدیده ای به اندازه «دمکراسی» پس از پالایش پاره ای از اشکالات با اسلام سازگاری و هماهنگی ندارد.

این کتاب بیانگر دیدگاه و شناخت این جریان از مسئله مهم و حیاتی حکومت و جایگاه آن در اسلام است، و به این پرسشها پاسخ می دهد که: حکم ایجاد حکومت اسلامی، ارکان و ویژگیها، طبیعت و ساختار آن چگونه است؟

یا حکومتی «تئوکراسی» است که رجال دین آن را اداره می کنند؟ همچنین به آن دسته که گمان می برند: اسلام حکومتی دینی است که بر اساس ادعای حق نیابت از خداوند حکومت می کند، پاسخ می دهد؟

موضعگیری آن در مورد تعدد احزاب و دمکراسی، و مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، و غیر مسلمانان، چگونه است؟

آیا یک گروه و حزب اسلامی می تواند در حکومتی «سکولاریست» مشارکت نماید؟ همچنین به پاره ای دیگر از مسایل حساس و سرنوشت ساز پاسخ می دهد.

امیدواریم که از لابلای مطالب این کتاب توانسته باشیم برخی از زوایای ناپیدای این موضوعهای مهم را روشن نماییم، و پاره ای از شبه های تحریک کننده را بر طرف، و مواضع و دیدگاههای میانه رو را در گیر و دار دو گرایش «تحجر و علمانیت» روشن نموده باشیم.

لازم به تذکر است که مطالب این کتاب را از لابلای برخی از تألیفات قبلی خود از جمله جلد دوم «فتاوی معاصره» برگرفته ام. شاید بررسی و تحقیق راجع به آن فتاوی در

حوزه فقه سیاسی و بیان آن در اینجا شایسته تر و مناسب تر باشد.
حق، همانی است که خداوند می فرماید، و راه درست همان راهی است که او
راهنمای آن است.

قاهره: اوّل جمادی الأولى سال ۱۴۱۷ هـ. ق

۱۹۹۶/۹/۱۵ م

یوسف القرضاوی